

ریشه های خشونت علیه زنان

محمد رضا هویدا

خشونت علیه زنان در افغانستان، در بسیاری از مواقع، جزئی از رفتارهای عادی مردم تبدیل شده است، و در برخی موارد به سستی که غیر قابل تغییر می نماید، از خیابان آزاری گرفته تا برخورد های مردان در اداره، دانشگاه، خانه، شفاخانه، اردو و پولیس، با زنان رنگ و بویی تبعیض جنسیتی دارد.

افغانستان بعد از طالبان، به خاطر حضور جامعه جهانی و ارزش های نوینی که با استقرار نظام دموکراسی در کشور رونق یافت، تلاش های متفاوتی را برای حقوق بشر به خصوص حقوق زنان انجام داده است. اما هیچ کدام این تلاش ها راه به جایی نبرده است. در عرصه قانون گذاری، قانون محو خشونت علیه زنان که به عنوان یکی از دستاوردهای نظام دموکراسی در افغانستان شمرده میشد، نتوانست به پایان راه برسد و حد اقل قسمتی از مشکلات حقوق بشری زنان را بکاهد. عده ای بخش های از قانون محو خشونت را در تقابل با قوانین اسلامی دانسته و راه را با اجرائی شدن این قانون در عمل بستند. عده ای نیز به راهیمایی ها و تظاهرات و شعار دادن ها روی آوردند. آنچه از رفتارهای مردم، نمایندگان، علما و سیاستمداران بر می آید، این است که جامعه افغانی به شدت تحت تاثیر سنت ها و سنت گرایان است. این قانون با آنکه مشکلات خاص خود را داشت، و نیاز بود تا بیشتر روی آن کار می شد، می توانست یک گام کوچک برای احقاق حقوق زنان افغان باشد. مشکلات زنان افغان با تصویب یک قانون مثل قانون محو خشونت علیه زنان حل نمی شود. نقض حقوق زنان برمی گردد به سنت ها و گذشته تاریخی افغانستان که در آن به زن به عنوان جنس دوم حتی به عنوان کالا در فرهنگ قوم و قبیله نگریسته می شود. افغانستان در بسیاری از امور خود نتوانسته از فرهنگ قوم و قبیله جدا شود. رسوخ سنت ها و قبیله و قوم را حتا در عملکردهای سیاسی نیز به خوبی مشاهده می کنیم.

اولین امری که ما برای محو خشونت علیه زنان نیاز داریم، رسیدن به تعریفی جامع از انسان و زن است. در صورتی که زن به عنوان انسان و موجودی برابر با یک مرد شناخته شود، می توان حقوقی برابر با مرد برای او قابل شد. اما اگر به زن به عنوان جنس دوم و موجودی کمتر از مرد قابل باشیم، طبعاً، نباید انتظار داشته باشیم که در چنین جامعه ای به زن به عنوان موجودی مساوی با مرد نگریسته شود، و همین گونه نباید انتظار داشته باشیم که آثار تساوی جنسیتی را در قوانین و رفتارها و عملکردهای حکومت، مردم و ... شاهد باشیم.

بحث در مورد زن و محو خشونت علیه زن را باید به عنوان یک بحث زیربنایی در نظر بگیریم. جهان بیسی و دیدگاه ما در مورد زن و انسان، زیربنای عملکرد ما در مورد حقوق بشر و حقوق زن می باشد. اگر بتوانیم جهان بینی و دیدگاه خود را در مورد انسان و زن و مرد اصلاح بیاوریم، خشونت علیه زن را به عنوان خشونت علیه انسان معرفی نماییم، حد اقل در عرصه قانون گذاری و نگاه و دیدگاه مان می توانیم، اصلاحات عمده ای بیاوریم.

انتظار این که، جمعی یا افرادی به زن و مرد را در انسانیت شان متفاوت بدانند و به باورهای سنتی شان از دین و مذهب احترام بیشتری قابل باشند، و راه را بر هر نوع درک و فهم متفاوت از برداشت های خودشان ببندند، نادرست است. محو خشونت علیه زنان در افغانستان را باید در طی فرایند طولانی از دیدگاه و جهان بینی خود شروع کرده و توسط آموزش از مکاتب و مدارس و دانشگاه ها به جامعه و مردم منتقل کرده و در متون، قوانین، افکار و عملکردها سرایت بدهیم.

استادان و دانشجویان دانشگاه ننگرهار جندی پیش در یک تظاهرات پرجم داعش، گروه طالبان و حزب اسلامی گلبدین حکمتیار را بلند کرده بود. در پی آن رئیس جمهور هیتنی را موظف ساخت تا این مسئله را تحقیق و بررسی نماید. هیتن نتایج بررسی های خود را روز دوشنبه در اختیار رسانه ها گذاشت. در نتیجه بررسی های این هیئت مشخص شده است که ۲۰۰ تن از دانشجویان و استادان با گروه های داعش، طالبان و حزب اسلامی در ارتباط بوده است. از این میان تنها، ۲۷ تن آن ها توسط امنیت ملی افغانستان بازداشت شده اند. سر در آوردن گروه های داعش، طالبان و حزب اسلامی گلبدین حکمتیار از مراکز علمی و دانشگاهی تکان دهنده است. این رویداد نشان می دهد که گروه های شورشی ریشه های عمیق در لایه های مختلف اجتماعی و فرهنگی جامعه ما دوانده است. زمانی که دانشگاه به عنوان منبع تولید فکر و دانش مرکز فعالیت گروه های شورشی قرار گیرد، بیرون از دانشگاه بدون شک، قادر به منحرف کردن اذهان دانشجویان و استادان دانشگاه باشد، تغییر ذهنیت مردم عادی کاری دشواری نیست و این نشان از فعالیت گسترده فکری و فرهنگی گروه های دهشت افکن می دهد. اکنون، پرسش این است که ریشه دواندن افکار تروریستی در دانشگاه های کشور ناشی از چیست؟ آیا نهاد های فرهنگی و تحصیلات عالی کشور قادر ناکارآمد است و یا اینکه سیاست های فرهنگی دولت در مبارزه با تروریسم و دهشت افکنی دچار کج تابی ها و فراز و نشیب می باشد. نوشتار کنونی سعی بر پاسخ گویی به این پرسش ها را دارد.

دانشگاه مهمترین نهاد تولید اندیشه و فکر است. پیوندی عمیق میان دگرگونی ها و تغییرات اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی با دانشگاه برقرار است. به عبارت دیگر، دگرگونی و تحولات در یک جامعه بدون ارتباط با دانشگاه ها و دیگر مراکز تولید فکر و اندیشه ممکن نیست.

به خلاف بیشتر کشورهای اروپایی، هالند ناظر کاهش شمار زندانیان خویش است. این کاهش تاحدی است که اکنون این کشور جاهای خالی زندان های خود را با بلجیم یا ناروی اجاره می دهد. یک برنامه خیلی قدیمی بازپروری، کاربرد زندان های کوتاه مدت و مجازات های مالی و حتی عدالت توافقی همراه با ملاحظاتی بودجه ای، توضیح دهنده این پدیده است.

تشک های تاشده بر روی تختخواب ها، دفاتر خالی، سلول های خالی، جای خالی در زندان نورگراون، در شمال هالند نادر نیست. صدای به هم خوردن کلیدهای دسته کلید آویزان به شلوار آقایی فرانک هوگنرپ به گوش می رسد و او به سوی راهروهایی که به سالن فعالیت ها منتهی می شود در حرکت است. او توضیح می دهد: «زندانیان روزی یک بار می توانند برای تماشای تلویزیون، بازی پینگ پونگ یا آمادگی برای غذا خوردن به اینجا بیایند» و با لبخند می افزاید که در اینجا باید با آنها به زبان انگلیسی گفتگو کرد: «بیزا ما در اینجا به زبان ناروی صحبت نمی کنیم». دلیل این امر این است که ازماه سپتامبر سلول های خالی به ۲۴۲ زندانی ناروی ی اختصاص یافته است. این

فقدان سیاست فرهنگی و ناکار آمدی نهاد های تحصیلی عامل رشد بنیادگرایی در میان دانشجویان

علی قادری



دهشت افکن و تروریست در حرکت است. این مشکل ریشه در کجا دارد. ریشه ناکامی دانشگاه در دوران جدید ریشه در ناکار آمدی وزارت تحصیلات عالی و کارگزاران این وزارت و دانشگاه های کشور دارد. در طول چهارده سال گذشته، وزارت تحصیلات عالی کشور قادر به ارائه یک سیستم درسی متناسب با دانشگاه های بین المللی و منطقه ای نبوده است. در دانشگاه های کشور متونی تدریس می گردد که در سه و چهار دهه گذشته تدریس می شد. متون درسی دانشگاه ها به روز نشده است. در واقع، دانشگاه های کشور با متون درسی خود هیچ پیوندی با دانشگاه های کشور های منطقه ندارد. از این جهت، دانشگاه ها قادر به آوردن تحول و تغییرات در دانشگاه های کشور نشد. در محله پرورش گروه های جنجگو و فرصت طلب شد. گروه های اسلامی از درون دانشگاه ها برخاست. منازعه خشونت آمیز را در سطح جامعه گسترده. از کمونیست ها تا دوره جدید و پسا طالبان دانشگاه قادر به انجام رسالت خود نشد. در دوره جدید، روزنه امید به منظور بازگشت دانشگاه به رسالت اصلی خود که همانا تولید فکر و اندیشه باشد، شکل گرفت. با این حال، رخداد ها و رویداد های برخاسته از درون دانشگاه های کشور نشانگر آن است که دانشگاه های کشور همچنان در رکاب گروه ها و جناح های سیاسی و

هالند زندان های خود را می بندد

نویسندگان: لو دوسره و مارگوت همریخ / ترجمه: شهباز نخعی / منبع: لوموند دیپلماتیک



در حالی است که تا سال ۲۰۰۴، هالند مانند فرانسه از کمبود جا در زندان ها در رنج بود، اکنون در کمتر از ۱۰ سال، از شمار زندانیان نزدیک به ۴۵ درصد کاسته شده است. تاکنون کاربری ۳ زندان تغییر یافته و حدود ۲۰ زندان دیگر در سه سال آینده بسته می شوند. به خلاف وضعیت رایج در بقیه اروپا، که چگونگی آن تغییر نیافته، امروز تنها ۱۰۵۰۰ جا از ۱۲۴۰۰ نفر ظرفیت زندان در کشور پر است و این میزان باید بازم کاهش یابد تا در سال ۲۰۱۸، در صورتی که زندان های دیگری بسته نشوند، به ۶۰ درصد برسد. از سال ۲۰۰۹، نگهداری از زندانیان بلجیم با دغدغه افزایش بهره وری و اجتناب از بیکار شدن کارکنان به این کشور پیشنهاد شده و توافق مشابهی نیز برای مدت ۳ سال با ناروی امضا شده است. مورد هالند نشان می دهد که انبوهی شمار زندانیان امری مقدر نیست. با این حال، دستیابی به سازوکارهایی که امکان وارونه کردن وضعیت را فراهم کند آسان نیست. میراندا بوم، استاد حقوق جزای دانشگاه گرونینگ می گوید: «کسی نمی توانست این را پیش بینی کند. این فقط نتیجه سادها یک سیاست نیست». حتی مقامات هم شگفت زده اند. به نظر آقای پترهونوف مدیر سازمان زندان های هالند: «تنها دستورات عملی که دولت داد، پایین آوردن نرخ جرم و جنایت و مبارزه علیه تکرار جرم بود» و این نکته مهم را می افزاید که: «... در عین صرف کمترین هزینه ممکن». او این را عامل اصلی کاهش میزان جرم و جنایت می داند، گرچه قادر به توضیح آن نیست. از این گذشته، هر گونه کوشش برای توضیح دشوار است زیرا مفهوم جنایت و اوقیت هایی متفاوت را در برمی گیرد. نورمان بیشاپ، کارشناس علمی شورای اروپا با ریشخند می گوید: «البته دولت ها دوست دارند بگویند که

این کاهش، محصول سیاست دولت بوده است» و مفهوم مشترک آن این است که شمار زندانیان، از کاهش میزان جرایم تاثیر می پذیرد. با این حال، قائل شدن به چنین ارتباطی، چنان که در سوئد دیده می شود، همواره محقق نیست (مطلب داخل کادر را بخوانید). پتر که قبلا معتاد به کراک بود، مربی ورزش شده است. این سنت دیرین انسان گرایی هالند منشا این کاهش شمار زندانیان است؟ کشورهای شمال اروپا غالباً به خاطر موفقیت در اعمال مجازات های بدون زندانی کردن و توانایی در محدود کردن تکرار جرم ستایش می شوند و هالند به خاطر برقراری خیلی سریع نظام موسوم به «آزادی محدود» مشهور است که به جای مجازات بر بازپروری (بازگشت مجدد محکومین در جامعه) مبتنی است. آقای ویلم وان دبیرگو، دبیر کل کنفدراسیون اروپایی آزادی محدود تاکید می کند که: «هالند قدیمی ترین تاریخچه آزادی محدود در دنیا را دارد». نخستین نمونه از این نوع در سال ۱۸۲۳، به صورت یک نهاد خصوصی موسوم به «انجمن هالندی حمایت اخلاقی از زندانیان» به وجود آمد. این ابتکار که از ایده های اصلاحی جان هوارد انگلیسی الهام گرفته بود، امکان بهبود شرایط زندان ها را فراهم کرد و در مدتی نزدیک به یک قرن بدون مداخله حکومت توسعه یافت. پس از جنگ جهانی دوم، همدردی روشنفکران، که بر بهبودی اجتماعی زندان پافشاری می کردند، به این حرکت خیزشی تازه داد. از این رو، امر بازپروری با هدف همراهی با بزهارکاران این بازگشت به جامعه نهادینه شد. سرانجام، در سال ۱۹۹۵، شمار زیادی از سازمان های که در طول سال ها ایجاد شده بودند، توسط دولت به هم پیوستند تا سه نهادی را شکل دهند که امروز نیز وجود دارد. اصلی ترین نهاد «سرویس آزادی محدود هالند» است

که عملکردی عام دارد و ۶۰ درصد افراد تحت بازپروری زیر نظر آن هستند. مأموران این نهاد گزارش هایی در مورد شخصیت بزهارکاران به قضات می دهند تا آنان بتوانند در مورد زندانی کردن یا مجازات هایی بجز زندان گزینه داشته باشند. همچنین، آنها بر مجازات های تعیین شده برای محکومان در صورت تعلیق مجازات شامل آموزش، پرداخت غرامت به قربانیان و پیگیری های روانشناسی نظارت می کنند... سرانجام، در صورت حکم قاضی، آنها نوع خدمات عمومی اجباری برای محکوم را تعیین می نمایند. آخرین سازمان سپاه نجات است برای افراد وابسته است که به امور مربوط به افرادی می پردازد که از مشکلات اعتیاد رنج می برند، و شمارشان ۳۰ درصد افراد مشمول آزادی محدود است. این ها عمدتاً مصرف کنندگان مواد مخدر یا الکل هستند که مرتکب دزدی می شوند. خانم باربارا کویبیز که پنج سال است مأمور آزادی های محدود در «آژانس آزادی محدود برای افراد وابسته» است می گوید: «به طور متوسط ما دوسال آنها را همراهی می کنیم. در زمان دیدارها، می کوشیم اعتیاد آنان را درک نموده و ببینیم آیا این اعتیاد موجب ایجاد مشکلات دیگر، به ویژه مالی نمی شود». به طور کلی، افراد مشمول آزادی محدود ناگزیر از پیگیری درمان نیز هستند. سرانجام، آخرین سازمان سپاه نجات است که به تامین نیازهای افراد فاقد مسکن و نیازمندیانی می پردازد که در زمینه های خانوادگی، مسکن و اشتغال مشکل دارند. مأموران آزادی محدود در زندان ها نیز برای کاستن از خروج زندانیان بدون همراهی که مرتکب تکرار جرم می شوند، فعال هستند. پتر، به تنهایی رشته ای از مجازات های موجود در نظام جزایی هالند را تجربه کرده است. این زندانی سابق که خواهان ناشناس نامدن است می گوید: «ارتکاب جرم یک

کارتون روز



نگرانی مردم از افزایش بهای دلار

روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید.
هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده ویرایش گردانده نمی شود.
مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله یانگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.
روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است.
www.dailyafghanistan.com
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا
مدیر مسوول: محمد رضا هویدا
سردبیر: حفیظ الله زکی
کارپاکتوریست: خالق علی زاده
دیزاین: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری
مسئول وب سایت: غلام عباس اصلاص
آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۷-۱۳۷

روزنامه
افغانستان
The Daily Afghanistan
Outlook
AFGHANISTAN
The Leading Independent English Language Newspaper